

بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیر - 21 / مهر / 1393

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تبریک عرض میکنم روز مبارک عید غدیر را به همه‌ی حضار محترم، برادران و خواهران عزیز، به ملت عزیز ایران، به همه‌ی شیعیان، بلکه به همه‌ی آن کسانی که از حقایق معرفتی اسلام و آگاهی‌های مربوط به محتوای این دین شریف، احساس احتیاط میکنند و لذت میبرند؛ و خوشامد عرض میکنم به همه‌ی حضار محترم، بخصوص برادران و خواهرانی که از راه‌های دور تشریف آوردند و این حسینیه را با حضور خودشان مزین کردند. یک جمله در باب مسئله‌ی غدیر عرض کنیم، یک جمله هم درباره‌ی وظایفی که امروز موضوع غدیر و مسئله‌ی غدیر و آگاهی از معارف عمیق غدیر بر دوش ما میگذارد و باید به آنها توجه کنیم.

مسئله‌ی غدیر مسئله‌ی بسیار مهمی است در تاریخ اسلام. اولاً اصل این حادثه‌ی عجیب و مهم و این بیان شریف که «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»، (۱) چیزی نیست که فقط شیعه آن را نقل کرده باشد؛ این جزو مسلمات است. آن کسانی که خواسته‌اند اشکال کنند، ایراد کنند، اصل صدور این بیان را مورد تردید قرار نداده‌اند، [بلکه] رفتند سراغ تأویل و توجیه و معنادرین این جمله اصل حادثه، یک مسئله‌ی مسلم تاریخی و اسلامی است؛ شبهه‌هایی هم که در معنای این جمله به ذهن بعضی از نورسیدگان و نوکیسه‌گان فکری و معرفتی امروز میرسد، همان حرفهایی است که هزار سال است این حرفها مطرح بوده، جوابهای آنها به‌وسیله‌ی علمای بزرگ داده شده و جای کمترین شبهه‌ای در اصل این مسئله و حادثه و معنای جمله‌ی رسول اکرم که سؤال کرد از مردم «أَلَسْتُ أُولَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ» (۲) - که اشاره به آیه‌ی قرآن بود که «الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» (۳) - و بعد از آن این جمله که «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» [نیست]؛ [در] اصل این مسئله جای هیچ تردیدی نیست. آنچه در مورد محتوای این جمله‌ی تاریخی و شریف و پر مغز بایستی بیان بشود [اینکه]، غیر از نصب امیرالمؤمنین به خلافت و امامت بعد از نبی اکرم و وصایت پیغمبر - که معنای رایج و شایع این جمله است - یک مضمون مهم دیگری در این بیان وجود دارد که نباید مورد غفلت قرار بگیرد و آن، پرداختن اسلام به امر حکومت و امر سیاست امت و اهمیت این موضوع از نظر اسلام است. آن کسانی که سعی کردند اسلام را از مسائل اجتماعی و از مسائل سیاسی برکنار بدارند و آن را منحصر کنند به مسائل شخصی و مسائل خصوصی زندگی افراد - و در واقع نگاه سکولار به اسلام داشته باشند که تبلیغات دشمنان و دستهای دشمنان هم این بینش را در بین مسلمانان در طول سالیان دراز ترویج کرده است - جوابشان مسئله‌ی غدیر است. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن موقعیت حساس، در آخرین ماه‌های زندگی، به دستور خدای متعال، یک مسئله‌ی اساسی و مهم را بیان میکنند و آن عبارت است از پرداختن به مسئله‌ی حکومت برای بعد از زمان پیغمبر اینجا نصب امیرالمؤمنین، فقط به معنای نصب جنبه‌های معنوی نبود، بلکه میشود گفت که مسئله‌ی جنبه‌های معنوی قابل نصب نیست؛ آنچه قابل نصب است عبارت است از: حکومت، کشورداری، سیاست، مدیریت جامعه‌ی اسلامی؛ این را پیغمبر اکرم به مردم توصیه کرد. این نکته‌ی بسیار مهمی است در مسئله‌ی غدیر که پاسخ دندان‌شکنی است به همه‌ی کسانی که فکر میکنند و تبلیغ میکنند که اسلام را از مسائل سیاست و مسائل حکومت و مانند اینها برکنار بدارند. بنابراین، این دو حقیقت، یعنی حقیقت نصب امیرالمؤمنین به‌عنوان امامت بعد از پیغمبر، و مسئله‌ی پرداختن به حکومت و سیاست و امامت و اداره‌ی امت بعد از پیغمبر، این دو موضوع بسیار مهم و حساس، در مسئله‌ی غدیر وجود دارد و جزو معارفی است که غدیر متضمن آن است و درس بزرگی است برای همه‌ی مسلمانان، برای امروز و فردای مسلمین.

آنچه امروز ما باید به آن توجه کنیم، این است که مسئله‌ی غدیر یک مسئله‌ی اعتقادی است؛ شیعه و پیروان مکتب اهل بیت و مکتب امامت، به مسئله‌ی غدیر پایبندند؛ این پایه و اساس تفکر شیعه است؛ بدون تردید، و جای بحث نیست. کسانی که شبهه دارند و کسانی که بحث دارند، میتوانند در محافل علمی، در مجالس تخصصی، بنشینند راجع به این بحث کنند؛ منطق شیعه قوی، حجت شیعه قاطع و بدون تردیدی است؛ لکن این در

زندگی عمومی مسلمانان، در همگامی مسلمانان با یکدیگر، در برادری مسلمانان با یکدیگر، باید اثر نگذارد. مسئله‌ی اختلاف بین فریق مسلمان - چه فرقه‌ی شیعه و سنی، و چه فریق گوناگونی که در درون دو فرقه‌ی اساسی اسلامی وجود دارد - یکی از مراکز طمع دشمنان اسلام بوده است، نه فقط دشمنان تشیع در طول سالهای متمادی سعی شده است بین مسلمانان اختلاف به وجود بیاید چون اختلاف بین مسلمانان، موجب میشود که همّت مسلمانان، نیروی مسلمانان، انگیزه‌های مسلمانان، صرف همین دعوای درونی و داخلی بشود؛ به مسائل بیرونی خود، به دشمنان بزرگ خود توجه نکنند. این سیاست اساسی استعمار در طول سالهای متمادی و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، بوده است چون گسترش تفکر جمهوری اسلامی را در دنیای اسلام دیدند، روی سیاست تفرقه تأکید بیشتری کردند، اصرار بیشتری ورزیدند، سرمایه‌گذاری کردند، برای اینکه دنیای اسلام را از جمهوری اسلامی جدا کنند.

نظام جمهوری اسلامی، انقلاب بزرگ ما، امام عظیم‌الشأن ما، توانست تفکرات دنیای اسلام را متوجه خود بکند، دل‌های آنها را جذب کند، به انگیزه‌های آنها و به حرکات آنها جهت‌دهی بکند؛ این، دشمن را ترساند؛ استعمار را، استکبار را، صهیونیسم را، به طور مشخص دستهای سیاست در آمریکا را ترساند، و به همان سلاح قدیمی متوسل شدند که سلاح «اختلاف‌افکنی» است. امروز و در طول این سالهای متمادی، اختلافات بین شیعه و سنی را هرچه بیشتر دامن میزنند برای اینکه ذهن دو طرف را از دشمن اصلی - که دشمن اسلام است، نه دشمن خصوص تشیع یا دشمن خصوص تستن - منصرف بکنند، اینها را به هم‌دیگر مشغول کنند؛ این سیاست استعمار است؛ متخصص این سیاست هم دستهای سیاسی و امنیتی دولت انگلیس خبیث است که از دیرباز، در این زمینه فعال بودند، تلاش کردند، بلدند چگونه بین فرقه‌های مسلمان اختلاف بیندازند، راه‌های آن را تجربه کردند، آگاهی دارند و بشدت مشغولند.

این جریان «تکفیر» - این چیزی که امروز در عراق و در سوریه و در برخی از کشورهای دیگر منطقه بروز کرده و در واقع با همه‌ی مسلمانها مواجه‌اند، نه فقط با شیعه - ساخته‌ی دست خود استعمارگران است؛ اینها چیزی به نام القاعده، چیزی به نام داعش درست کردند برای مقابله‌ی با جمهوری اسلامی، برای مقابله‌ی با حرکت بیداری اسلامی، منتها دامن خودشان را گرفته است؛ امروز دامن خود آنها را گرفته است. البته امروز هم با یک نظر دقیق تحلیلی وقتی انسان نگاه میکند، میبیند که تلاشی که امروز آمریکا و هم‌پیمانان آمریکا در آنچه «مواجهه‌ی با داعش» اسم گذاشته‌اند - که واقعیتی ندارد - در اینجا دارند به خرج میدهند، بیش از آنچه تلاش برای نابود کردن نطفه‌ی این حرکت خبیث باشد، تلاش برای جهت‌دادن دشمنی‌های مسلمانان میان یکدیگر است. سعی میکنند مسلمانها را به جان هم بیندازند؛ عامل آن را امروز این گروه جاهل و متعصب و متحجر و وابسته قرار داده‌اند و الا هدف همان هدف است؛ سعی آنها این است که مسلمانان را از دشمن اصلی منصرف کنند. ما باید این را بدانیم - چه شیعه و چه سنی؛ هرکسی که به اسلام پایبند است، هرکسی که حاکمیت قرآن را قبول دارد باید بداند - که آمریکا، سیاستهای آمریکا، سیاستهای استکباری، سیاستهای صهیونیستی، دشمن اسلامند، دشمن آگاهی اسلامی‌اند، دشمن حاکمیت اسلامند؛ تلاشی هم که امروز دارند میکنند، دنباله‌ی تلاش ۳۵ ساله‌ی آنها است؛ ۳۵ سال است دارند به انواع و اقسام تلاش میکنند [که] به اذن الهی، به حول و قوه‌ی الهی، در همه‌ی تلاشهایی که علیه جمهوری اسلامی کردند، شکست خوردند؛ در این یکی هم به فضل پروردگار قطعاً شکست خواهند خورد.

آنچه وظیفه‌ی مسلمانان است - چه مسلمان شیعه، چه مسلمان سنی - این است که با تحریک احساسات یکدیگر، به دشمن کمک نکنند؛ شیعه باید بداند که اگر چنانچه اختلاف و دعوا و حساسیت‌برانگیزی میان شیعه و سنی تحریک بشود، دشمن مشترک، دشمن اصلی، سود خواهد برد، نباید اجازه بدهد؛ سنی هم همین جور. طرفین باید مراقب باشند، احساسات یکدیگر را تحریک نکنند، به مقدّسات یکدیگر اهانت نکنند، دعوی بین طائفه‌های مسلمان و گروه‌های مسلمان و به طور خاص بین شیعه و سنی را - که مورد علاقه‌ی دشمنان اسلام است - آتش افروزی نکنند؛ این را همه باید متوجه باشند. اگر کسی در این زمینه اقدامی بکند که موجب تحریک احساسات طرف مقابل است و موجب ایجاد دشمنی است، یقین بداند به آمریکا دارد کمک میکند، به انگلیس خبیث دارد کمک میکند، به

صهیونیسم دارد کمک میکند ؛ به همان کسانی کمک میکند که داعش و القاعده و امثال اینها را به وجود می آورند و جریان تکفیر را به راه می اندازند برای ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی. امروز اتحاد اسلامی، برادری اسلامی، همبستگی اسلامی، یکی از لازم ترین و واجب ترین وظایف همه ی جوامع اسلامی است و بایستی همه به این وظیفه ملتزم باشیم. البته مسلمانان مؤمن و آگاه و با بصیرتی که در نظام جمهوری اسلامی زندگی میکنند، به وظایف خودشان آشنا هستند، امیدواریم که در اینجا و در همه جا، به این وظایف پایبندی نشان بدهند. خداوند ان شاء الله همه ی شما را موفق بدارد، همه ی شما را و دنیای اسلام را ان شاء الله از برکات عید غدیر برخوردار کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(۱) الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۵۰؛ خطبه ی غدیر

(۲) جامع الاحادیث شیعه، ج ۲۳، ص ۷۴۲

(۳) سوره ی احزاب، بخشی از آیه ی ۶: «پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است...»